

مدل‌های بازگشتی تصحیح واریانس در مطالعات پزشکی

آرزو باقری^۱، مهسا سعادت^{۱*}

۱. مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران

نشریه پایش

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۲

سال شانزدهم، شماره پنجم، مهر - آبان ۱۳۹۶ صص ۵۷۵-۵۸۵

نشر الکترونیک پیش از انتشار - ۲۱ شهریور ۹۶

چکیده

مقدمه: در بسیاری از مطالعات پزشکی و اپیدمیولوژی هر فرد تحت شرایطی می‌تواند وقایعی را چندین بار، یکی پس از دیگری و به صورت متوالی تجربه نماید که آن‌ها را وقایع بازگشتی می‌نامند. اهداف وسیع تحلیل این گونه وقایع می‌تواند شامل توصیف فرآیند رخداد واقعه در افراد، پراکندگی وقایع از فردی به فرد دیگر و رابطه بین متغیرهای پیش‌بین ثابت یا وابسته به زمان با زمان رخداد واقعه باشد. از این رو، هدف اصلی این مقاله ارائه و تفسیر مدل‌های پیشرفته آماری به منظور تحلیل درست این وقایع بود که در سال‌های اخیر پیشنهاد شده‌اند.

مواد و روش کار: در این مقاله، برای مدلسازی وقایع بازگشتی روش‌های تصحیح واریانس که شامل مدل‌های AG، شرطی PWP (PWP-TT و PWP-GT) و مدل حاشیه‌ای WLW هستند، ارائه و با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

یافته‌ها: اغلب، مدل‌های شرطی PWP زمانی کاربرد دارند که تعداد وقایع کمی برای هر فرد رخ دهد و مخاطره رخداد مجدد واقعه میان رخدادهای مختلف تغییر نماید. در حالی که مدل حاشیه‌ای WLW و مدل AG با پیش‌بین‌های وابسته به زمان، برای تعیین فراوانی وقایع به کار می‌روند.

بحث و نتیجه‌گیری: محققان حوزه پزشکی و اپیدمیولوژی برای انتخاب صحیح مدل‌های بازگشتی باید به عوامل مختلفی از جمله تعداد وقایع، ارتباط میان وقایع، متغیر بودن اثر عوامل از واقعه‌ای به واقعه دیگر، فرایند بیولوژیکی و ساختار همبستگی داده‌ها توجه نمایند.

کلیدواژه: وقایع بازگشتی، مدل‌های بازگشتی، مدل AG، مدل حاشیه‌ای WLW، مدل شرطی PWP

* نویسنده پاسخگو: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، خیابان دوم، پلاک ۵، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

تلفن: ۸۸۵۳۴۳۲۱

E-mail: mahsa.saadati@gmail.com

مقدمه

در مطالعات اپیدمیولوژی و بالینی، محققان اغلب با داده‌های همبسته‌ای مواجه می‌شوند که پاسخ مورد نظر آن‌ها زمان تا رخداد واقعه موردنظر (زمان بقا) است؛ در نتیجه هدف این مطالعات تحلیل چندمتغیره داده‌های بقای همبسته است [۱]. هم گروه شدن افراد در گروه‌ها (طبقات)، تجربه چندین واقعه از یک نوع یا وقایع کاملاً متفاوت توسط یک فرد در طول زمان منجر به تولید داده‌های بقای همبسته می‌شود که به ترتیب داده‌های وقایع خوشه‌ای (Cluster events)، بازگشتی (Recurrent events) (عودکننده) و چندگانه (Multiple events) نامیده می‌شوند و هر یک روش تحلیل‌های خاصی دارند [۲]. داده‌های بازگشتی در مطالعات پزشکی نقشی مهم و اساسی دارند زیرا اغلب افراد می‌توانند بروز یک بیماری را به صورت تکراری و بیش از یکبار تجربه کنند؛ حملات آسم، عود تومور، تشنج، حملات میگرنی، عفونت‌های گوشی و تنفسی، حملات قلبی، جراحی‌ها و بستری شدن در بیمارستان مثال‌هایی از این نوع وقایع هستند [۳-۶]. وقایع بازگشتی دارای ترتیب ذاتی بوده و در طول زمان به صورت یک دنباله مشخص و پشت سر هم رخ می‌دهند. ممکن است قبل از اتمام مطالعه، نتوان وقایع بازگشتی را مشاهده نمود که در این صورت مشاهده سانسور شده (Censored) خواهد بود. به عنوان مثال، مشاهده بستری شدن گروهی از بیماران به دفعات پشت سرهم در بیمارستان با اتمام مدت زمان مطالعه یا با از دست دادن بیمار در طول مطالعه یا مرگ او پایان می‌یابد و در نتیجه این بیمار سانسور می‌شود. شکل (۱) مثالی از رخداد وقایع بازگشتی برای ۵ فرد را نشان می‌دهد [۷].

با توجه به این شکل، در میان این افراد، ۳ نفر حداقل دو واقعه را تجربه کرده‌اند (مربع‌های توپر) که از میان آن‌ها ۲ فرد تا پایان زمان مطالعه، (۶۰) ماه، سانسور شده‌اند (دایره‌های خالی)، سایر افراد به دلایلی نامرتبط با واقعه مورد نظر سانسور شده‌اند. فرد اول بیشترین تعداد واقعه (۶ واقعه) را در ماه‌های ۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵ و ۲۸ و فرد ۳، ۲ واقعه را در ماه‌های ۱۲ و ۴۷ تجربه کرده‌اند. از آن‌جا که هدف بسیاری از مطالعات اپیدمیولوژی و بالینی ارزیابی اثر درمان در به تأخیر انداختن عود بیماری و طولانی کردن بقای بیماران است، وجود همبستگی میان این وقایع منجر به تولید مجموعه داده‌ای با ساختار پیچیده می‌گردد و اگر این همبستگی ذاتی در داده‌ها نادیده گرفته شود، فواصل اطمینان برای نرخ‌های برآوردی به غلط باریک و فرض صفر بیش از مواردی که باید، رد می‌شود. در نتیجه تحلیل

داده‌های بازگشتی نیازمند استفاده از روش‌های پیشرفته و مناسب آماری برای پاسخگویی به سئوالات تحقیق است [۸]. پرکاربردترین روش برای تحلیل داده‌های بقا، مدل رگرسیون مخاطرات متناسب کاکس (Cox proportional hazards regression model) است که با توجه به پیش‌فرض مهم این مدل (استقلال مشاهدات)، از آن تنها برای مدلسازی زمان رخداد اولین واقعه می‌توان استفاده کرد که با توجه به نادیده گرفتن وقایع بعدی، برای تحلیل داده‌های بازگشتی ناکارا است [۹]. روش دیگر برای تحلیل این داده‌ها که همبستگی میان وقایع را در نظر می‌گیرند، منظور کردن تعداد وقایع برای هر فرد و برازش مدل پواسن (Poisson model) یا دوجمله‌ای منفی (Negative-Binomial model) است که در حالت کلی معادلات برآوردی تعمیم یافته (Generalized Estimating Equations) یا مدل‌های اثرات تصادفی (Random effect model) نامیده می‌شوند. با این حال این روش مدلسازی، زمان رخداد وقایع را نادیده می‌گیرد و در تحلیل داده‌های بقا، روش کارایی نیست. مدل‌های وقایع بازگشتی باید به گونه‌ای باشند که بتوانند از همه اطلاعات موجود در داده‌ها از جمله اثر وقایع قبلی بر واقعه فعلی برای برآورد دقیق خطرات نسبی این نوع وقایع استفاده نمایند [۱۰، ۶]. مدل برای داده‌های همبسته ابتدا در داده‌های خوشه‌ای به کاربرده شد که در آن ساختاری برای همبستگی داده‌ها در نظر گرفته نشد و تنها ماتریس واریانس و کواریانس برآوردی تعدیل گردید. پس از آن، انواع مدل‌ها با در نظر گرفتن الگوهای مختلف همبستگی توسط پژوهشگران مختلف ارائه شد [۶]. یکی از روش‌های متداول تحلیل وقایع بازگشتی، مدل‌های تصحیح واریانس (Random effect model) است که با توجه به تصحیحی که بر روی واریانس پارامترهای برآوردی انجام می‌دهد و کاربرد آن‌ها که ممکن است استنباط در سطح جامعه، ارائه برآورد میانگین اثر عوامل خطر یا تشخیص روند وقایع در طول زمان برای هر فرد باشد، با یکدیگر تفاوت دارند [۵].

با این‌که مباحث مختلفی در مورد تحلیل وقایع بازگشتی در پژوهش‌های مربوط به آمار زیستی، اپیدمیولوژی و پزشکی انجام گرفته است [۲۰-۱۱]، همچنان در بسیاری از مطالعات برای تحلیل داده‌های بازگشتی از روش‌های آماری ناکارا یا نامناسب استفاده می‌شود. در نتیجه، مقایسه این روش‌ها که محققان در حوزه‌های مطالعات اپیدمیولوژی یا مطالعات مرتبط را برای انتخاب مدل مناسب یاری می‌نماید، ضروری است.

به تفاوت میان این مدل ها می شود، مقیاس زمانی است. مقیاس زمانی اغلب شامل زمان کل (Total time (TT)) و فاصله زمانی بین وقایع (Gap time (GT)) است. در مقیاس اول، زمان از آغاز مطالعه تا رخداد واقعه برای هر فرد و در مقیاس دوم، فاصله زمانی میان واقعه فعلی و واقعه قبلی مورد نظر است [۳].

مدل AG

که توسط اندرسون و گیل در سال ۱۹۸۲ معرفی شد یک مدل فرایند شمارشی است که از تعمیم مدل کاکس و برحسب افزایش تعداد وقایع در طول زمان مدلسازی می شود [۲۲]. در این مدل، پاسخ مورد نظر می تواند زمان شروع درمان تا رخداد واقعه باشد، در نتیجه از مقیاس زمان کل برای مدلسازی استفاده می شود. در این مدل همه افراد، در معرض خطر همه وقایع در کل دوره پیگیری هستند و در نتیجه می توانند در مجموعه خطر یک واقعه خاص بدون توجه به تعداد وقایعی که تاکنون تجربه کرده اند، قرار بگیرند. به عنوان مثال، مجموعه خطر می تواند شامل زمان واقعه اول برای یک فرد باشد در حالی که برای فرد دیگر این زمان زمان رخداد واقعه دوم است. در این حالت تعداد افراد در معرض خطر با افزایش تعداد وقایع (i)، کاهش می یابد. این مدل یک تابع خطر پایه یکسان برای تمام وقایع در نظر می گیرد و یک پارامتر کلی برای عوامل مورد نظر برآورد می کند.

برآوردهای این مدل ایستا (Stable) و نسبت به مدل کاکس برای زمان تا رخداد واقعه اول کارا تر هستند [۶، ۳۱]. شکل (۲) نحوه تعریف مجموعه خطر، تابع خطر پایه و ضرایب رگرسیونی را در این مدل نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود هر فرد به شرطی که واقعه قبلی را تجربه کرده باشد در معرض واقعه بعدی قرار می گیرد و وابستگی میان وقایع از طریق تعداد وقایع قبلی که فرد تجربه نموده در مدل وارد می شود. در این مدل تنها یک تابع خطر پایه مشترک (λ_0) وارد می شود و ضرایب رگرسیونی (β) برای همه وقایع یکسان است. (شکل ۲. مجموعه خطر، تابع خطر پایه (λ_0) و ضرایب رگرسیونی (β) در مدل AG).

در این مدل فرض می شود که همبستگی میان زمان های رخداد واقعه برای هر فرد می تواند با استفاده از وقایع قبلی تبیین شود که به معنی غیرهمبسته بودن زمان رخداد وقایع به شرط پیش بین ها است. این مدل زمانی مناسب است که همبستگی میان وقایع برای هر فرد با استفاده از متغیرهای پیش بین قابل توصیف باشد [۲۰]. بنابراین وابستگی می تواند با استفاده از متغیرهای پیش بین وابسته

در این مقاله چهار مدل بازگشتی مختلف تصحیح واریانس که از لحاظ پیش فرض ها و ساختار داده ای با یکدیگر تفاوت دارند، ارائه می گردد. یکی از تفاوت های اساسی این مدل ها در روشی است که برای مدلسازی وقایع تکراری استفاده می کنند؛ مدل های اندرسون-گیل (Andersen-Gill (AG)) و شرطی (Conditional models) پرنیس-ویلیامز-پترسون (Peterson Prentice-Williams- (PWP)) که آن ها را مدل های فرایند مارکوفی (Markove process) نیز می نامند، فرض می کنند که الگوی وقایع تنها به وقایعی که بلافاصله قبل از آن ها رخ داده است، وابسته اند. مدل های حاشیه ای (Marginal models) وی-لین-ویسفیلد (Wei-Lin-Weissfeld (WLW)) با میانگین ها (یا نرخ ها) به صورت فرایند شمارشی (Counting process) برخورد می کنند که امکان در نظر گرفتن هر نوع ساختاری را برای همبستگی میان وقایع تکراری فراهم می نمایند. هر یک از این مدل ها برای پاسخ به سئوال های متفاوتی در مطالعات مختلف به کار می روند. هدف اصلی این مقاله، توصیف روش های فوق برای مدلسازی زمان رخداد وقایع بازگشتی به منظور ارائه دستورالعملی برای انتخاب روش مناسب در تحلیل این داده ها و تأثیر انتخاب هر یک از آن ها در تفسیر نتایج بود.

مواد و روش کار

اگرچه نادیده گرفتن وابستگی میان وقایع در تحلیل داده های بازگشتی، بر برآورد پارامترها اثرگذار نیست، اما باعث ایجاد اریبی برآورد واریانس این پارامترها و در نتیجه عدم دستیابی به استنباط صحیح در مورد اثر متغیرهای پیش بین بر زمان رخداد وقایع بازگشتی می گردد. در مدل های بازگشتی تصحیح واریانس، واریانس ضرایب از طریق طبقه بندی تابع خطر پایه یا بکارگیری روش هایی برای تعدیل همبستگی بین مشاهدات اصلاح می شود. شبیه سازی-های انجام شده جهت بررسی برآورد اثر درمان توسط محققان علوم پزشکی نشان می دهد که نادیده گرفتن پراکندگی میان افراد منجر به ایجاد اریبی منفی و در نتیجه کم برآوردی اثر درمان هستند [۲۱]. انواع مدل های زیرمجموعه این روش شامل مدل های AG، حاشیه ای WLW و شرطی PWP می باشند [۶]. که در ادامه به معرفی آن ها پرداخته می شود. در کلیه مدل ها فرض می شود که رخداد وقایع و سانسور شدن به شرط متغیرهای پیش بین از یکدیگر مستقلند (فرض استقلال سانسورها). یکی از مسائل مهم که منجر

به زمان، مانند تعداد وقایع قبلی یا توابعی از آن تعیین شود. اما اگر این فرض برقرار نباشد، باید از ماتریس کواریانس ساندویچی استوار (Robust Sandwich covariance matrix)، برای برآوردگرهای ضرایب رگرسیونی استفاده کرد [۹] که خطاهای استاندارد استواری را تولید می‌کند. مدل AG زمانی برای تحلیل داده‌ها به کار می‌رود که کلیه وابستگی‌ها میان وقایع از طریق پیش‌بین‌های وابسته به زمان بیان شوند و هدف از انجام مطالعه، بررسی اثر کلی بر شدت رخداد یک واقعه بازگشتی باشد. از این مدل برای تحلیل عود مجدد سلول‌های سرطانی [۱۲] و بستری شدن سالمندان در بیمارستان به علت بیماری قلبی [۱۸] استفاده شده است.

مدل حاشیه‌ای WLW

را می‌توان براساس میانگین تعداد وقایع وقتی هیچ متغیر پیش‌بین وابسته به زمانی وجود ندارد، تفسیر کرد [۸، ۱۷، ۲۱-۲۳]. در این مدل اگر فردی ۴ واقعه را تجربه کند، بازه‌های خطر برای آن شامل چهار بازه $[0, t_1]$ ، $[0, t_2]$ ، $[0, t_3]$ و $[0, t_4]$ می‌شود و توابع خطر و ضرایب رگرسیونی متفاوتی برای هر واقعه به صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شود. شکل (۳) نحوه تعریف مجموعه خطر، تابع خطر پایه و ضرایب رگرسیونی را در این مدل نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر فرد با تجربه هر تعداد واقعه از شروع مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مدل برای هر طبقه که از روی تعداد وقایع ساخته می‌شود یک تابع خطر پایه مجزا (λ_{0j}) در نظر گرفته می‌شود و ضرایب رگرسیونی (β_j) برای هر طبقه متفاوت خواهد بود (شکل ۳). مجموعه خطر، تابع خطر پایه (λ_{0j}) و ضرایب رگرسیونی (β_j) در مدل WLW).

این روش ساختار وابستگی میان زمان‌های رخداد واقعه برای یک فرد را تعیین نمی‌کند ولی برآورد واریانس‌ها براساس همبستگی بین وقایع تعدیل می‌گردد. از آن‌جا که این مدل همه وقایع بازگشتی برای یک فرد را به صورت یک فرایند شمارشی تنها در نظر می‌گیرد و به پیش‌بین‌های وابسته به زمان برای نشان دادن تاریخچه وقایع قبلی نیاز ندارد، از مدل AG منعطف‌تر و ساده‌تر است [۱۷]. اگر هیچ متغیر پیش‌بین وابسته به زمانی که اثر وقایع قبلی بر روی رخداد مجدد وقایع بعدی را به حساب می‌آورد در مدل AG وارد نشود، برآوردهای نقطه‌ای این مدل و مدل AG با یکدیگر مشابه، اما برآورد ماتریس کواریانس آن‌ها برای ضرایب رگرسیونی با یکدیگر متفاوت خواهند بود. این روش در بسیاری از مطالعات پزشکی که در آن به دست آوردن ساختار وابستگی مورد نظر نباشد،

ساختار وابستگی پیچیده یا مجهول بوده و به خصوص با استفاده از متغیرهای وابسته به زمان در مدل AG نتوان آن‌ها را در نظر گرفت، کاربرد دارد. از آن‌جا که ممکن است وارد کردن تاریخچه وقایع قبلی اثر متغیرهای پیش‌بین را در مقایسه با اثرات حاشیه‌ای آن‌ها ضعیف‌تر برآورد کند، زمانی که مطالعه اثر متغیر پیش‌بین بر نرخ حاشیه‌ای وقایع در نقطه مشخصی از زمان در سطح جامعه مورد نیاز باشد، این روش مفید است. این روش نسبت به ساختارهای همبستگی درون فردی بین وقایع استوار است؛ ولی در خصوص رابطه میان زمان‌های رخداد واقعه اطلاعی فراهم نمی‌آورد. شایان ذکر است این روش به پیش‌فرض مستقل بودن سانسورها بسیار حساس است و برای جلوگیری از ارببی، این پیش‌فرض باید بررسی گردد [۲۴]. هزینه مراقبت‌های پزشکی و عفونت‌های چندگانه در بیماران، مثال‌هایی از کاربرد این مدل در مطالعات پزشکی هستند [۸].

مدل‌های شرطی PWP

وقایع چندگانه مرتب شده را با استفاده از طبقه‌بندی روی تعداد وقایع قبلی در جریان مطالعه تحلیل می‌کنند و تابع خطر پایه نیز براساس این تعریف برای هر واقعه، مقدار متفاوتی دارد [۱۳]. کلیه افراد در معرض خطر اولین طبقه هستند، اما تنها کسانی که در طبقه قبلی در معرض خطر واقعه بوده‌اند وارد طبقه بعدی می‌شوند [۱۱]. به عبارت دیگر در این مدل فردی در معرض خطر واقعه زام قرار می‌گیرد که قبلاً ($j-1$) واقعه را تجربه کرده باشد [۳، ۶]. امتیاز مدل PWP نسبت به مدل WLW این است که نرخ واقعه بعدی برای یک فرد به شرطی که قبلاً واقعه‌ای را در طی دوره مطالعه تجربه کرده باشد، محاسبه می‌شود [۲۱، ۲۵]. شکل (۴) نحوه تعریف مجموعه خطر، تابع خطر پایه و ضرایب رگرسیونی را در این مدل نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر فرد زمانی در معرض خطر واقعه قرار می‌گیرد که واقعه قبلی را تجربه کرده باشد. در این مدل برای هر طبقه، یک تابع خطر پایه مجزا (λ_{0j}) در نظر گرفته می‌شود و ضرایب رگرسیونی (β_j) برای هر طبقه متفاوت خواهد بود (شکل ۴). مجموعه خطر، تابع خطر پایه (λ_{0j}) و ضرایب رگرسیونی (β_j) در مدل PWP)

در این مدل می‌توان هر دو اثر کلی و ویژه-واقعه (Event-specific) را برای هر پیش‌بین به دست آورد. نکته‌ای که در استفاده از این مدل باید مورد توجه قرار گیرد این است که در این روش به دلیل شرطی شدن مجموعه خطر، تعداد افراد با افزایش تعداد وقایع (j)

مطالعه عود سرطان مثانه: در مطالعه‌ای که به منظور بررسی تأثیر درمان بر عود مجدد سرطان مثانه انجام گرفت، ۸۵ بیمار انتخاب و به مدت ۶۴ ماه پیگیری شدند. کلیه بیماران بعد از خارج کردن تومور در مطالعه وارد و بیمارانی که قبل از اتمام مطالعه، آن را ترک کردند یا عودی را تجربه نمودند به عنوان سانسور در نظر گرفته شدند. در این مطالعه از مدل‌های بازگشتی AG، WLW، PWP-TT و PWP-GT استفاده شد و این مدل‌ها با یکدیگر مقایسه گردیدند. متغیرهای پیش‌بین در این مطالعه نوع درمان (تینوتپا (Thiotepa) و دارونما)، تعداد تومورهای اولیه و اندازه بزرگترین تومور (برحسب سانتیمتر) بودند. با استفاده از مدل کاکس در این داده‌ها تنها می‌توان تأثیر درمان بر عود اول را بررسی نمود و در نتیجه ۶۳٪ از وقایع نادیده گرفته خواهند شد. به منظور تحلیل صحیح این داده‌ها از مدل‌های بازگشتی استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است [۸] (جدول ۱). نتایج برازش مدل‌های بازگشتی در مطالعه عود سرطان مثانه).

نکته مهم در تحلیل داده‌ها توجه به تفسیر متفاوت پارامترها در هر یک از این مدل‌هاست. یافته‌های جدول (۱) حاکی از آن است که برآوردهای نقطه‌ای در هر دو مدل AG و WLW یکسان است، زیرا متغیرهای پیش‌بین وابسته به زمان در مدل AG وارد نشده‌اند؛ با این حال هر یک از این مدل‌ها نسبت‌های مختلفی را مدلسازی می‌کنند. مدل AG، تابع شدت (function Intensity) و مدل WLW نرخ واقعه را مدلسازی می‌نمایند. نتایج مدل AG حاکی از آن است که بیماران در گروه درمانی، کاهش ۳۷ درصدی در مخاطره عود مجدد دارند، اگرچه با تعدیل بر روی تعداد تومورهای اولیه، نوع درمان به صورت مرزی در این مدل معنی‌دار می‌شود. تعداد تومورهای اولیه، عامل تشخیصی مهم و معنی‌داری برای عود مجدد سرطان مثانه در همه مدل‌ها است. اندازه بزرگترین تومور با وجود تعداد تومورهای اولیه، در هیچ‌یک از ۴ مدل معنی‌دار نیست. برآوردهای حاصل از مدل‌های PWP براساس مجموعه خطر محدود شده به دست آمده‌اند، بدین معنی که مجموعه خطر تنها شامل افراد با تعداد مشابه عود مجدد در واقعه قبلی است. با توجه به این که هر یک از این مدل‌ها پیش‌فرض‌های مختلفی دارند نباید آن‌ها را مستقیم با یکدیگر مقایسه کرد. مهمترین دلیل برای انتخاب هر مدل به سئوالات پژوهش و مجموعه خطر بستگی دارد [۸]. مطالعه رخداد دیسشارژ (IED) در بیماران مبتلا به صرع: در این مطالعه، بیماران مبتلا به صرع که جهت بررسی بیماری

کاهش می‌یابند. در عمل ممکن است مجموعه خطر برای طبقات بعدی بسیار کوچک باشد، بنابراین نیاز به محدود کردن تعداد معینی از وقایع بازگشتی است که در این صورت برآوردهای ویژه-واقعه بسیار غیرقابل اعتماد خواهند شد [۳]. در این مدل علاوه بر در نظر گرفتن پاسخی مشابه با مدل AG و مدل WLW (زمان کل، TT)، می‌توان پاسخ را براساس فاصله زمانی (GT) که فاصله میان رخداد واقعه فعلی و رخداد قبلی است تعریف کرد. زمانی که از مقیاس فاصله زمانی یا زمان انتظار (Waiting time) استفاده می‌شود، بعد از رخداد هر واقعه بازگشتی مقیاس زمانی با در نظر گرفتن فرایند بازگشتی (Renewal process) مجدداً صفر می‌شود. مطالعه فاصله زمانی اغلب برای وقایع با فراوانی رخداد کم، هنگامی که بررسی رخداد یک واقعه بعد از واقعه قبلی یا پیش‌بینی رخداد واقعه بعدی مد نظر باشد، مفید است. بنابراین مدل‌های PWP به دو شکل می‌توانند برازش یابند؛ مدل PWP-TT که اثر یک متغیر پیش‌بین را بر روی زامین واقعه از زمان ورود به مطالعه بررسی می‌کند و مدل PWP-GT که اثر یک متغیر کاکس است و بر روی تعداد وقایع طبقه‌بندی می‌شوند تا به این ترتیب وابستگی بین وقایع در مدل لحاظ گردد. ویژگی متمایز این مدل نسبت به مدل AG آن است که تابع خطر پایه می‌تواند از واقعه‌ای به واقعه دیگر تغییر کند و در نتیجه، مدل می‌تواند براساس وابستگی واقعه کنونی به وقایع قبلی تعدیل گردد. در هر دو مدل PWP، تابع خطر در زمان t برای واقعه زام بر روی کل وقایع قبلی شرطی می‌شود [۶]. برخلاف مدل AG، اثر پیش‌بین‌ها ممکن است از واقعه‌ای به واقعه دیگر در مدل‌های PWP تغییر نمایند. بنابراین مدل‌های PWP زمانی که اثر پیش‌بین‌ها در جریان رخداد وقایع تغییر می‌کنند، بیماری‌هایی که مراحل آن در طول مدت پیگیری یکسان نیستند (مانند برخی بیماری‌ها از جمله عفونت‌های ویروسی که به دلیل پیشرفت ایمنی بدن، ضعیف می‌شوند) یا خطر رخداد واقعه بعدی افزایش می‌یابد (مانند تشدید عفونت‌های ریوی) بر مدل AG ترجیح داده می‌شود.

یافته‌ها

در این بخش به بررسی دو مطالعه عود مجدد سرطان مثانه [۸] و رخداد دیسشارژ در بیماران صرعی [۲۶] که برای تحلیل آن‌ها از مدل‌های بازگشتی تصحیح واریانس استفاده شده است، پرداخته شد.

بیمار، عوامل مؤثر بر زمان کل وقوع IED هستند. در مدل PWP-TT دو عامل سن و وضعیت جانبازی بیمار از عوامل مؤثر بر زمان کل وقوع IED هستند. نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که خطر رخداد واقعه فعلی در مدل AG با افزایش تعداد وقایع قبلی افزایش می‌یابد. در هر دو مدل، سن رابطه معکوس با زمان کل وقوع IED دارد و نشان می‌دهد که در سنین بالاتر خطر کاهش زمان کل وقوع IED، افزایش می‌یابد. در مورد متغیر وضعیت جانبازی نیز هر دو مدل نتایج مشابهی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که خطر کوتاه بودن فاصله زمانی وقوع IED در گروه جانبازان بیشتر است و در دو مدل تقریباً برابر ۲/۴ برابر گروه غیرجانباز می‌باشد.

در مدل PWP-GT نیز دو عامل سن و وضعیت جانبازی بیمار از عوامل مؤثر بر فاصله زمانی بین وقوع IEDها هستند. سن رابطه معکوس با فاصله زمانی رخداد IEDها دارد و نشان می‌دهد که به شرطی که IED قبلی رخ دهد، در سنین بالاتر خطر کاهش فاصله زمانی بین وقوع IEDها وجود دارد. در گروه جانبازان به شرطی که IED قبلی رخ دهد، خطر کوتاه بودن فاصله زمانی بین وقوع IEDها بیشتر است و تقریباً ۳ برابر گروه غیرجانبازان است [۲۶].

خود تحت مراقبت ۲۴ ساعته و V-EEG (Video Electroencephalogram) (روشی برای مانیتور کردن وضعیت بیماران) قرار داشتند، بررسی شدند. در نوار مغزی این بیماران نوعی IED ظاهر می‌شود که مورد توجه متخصصان مغز و اعصاب بوده و در تشخیص بیماری صرع و نوع آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از آنجا که IED می‌تواند در طول ثبت نوار مغزی چندین بار برای بیمار رخ دهد، لذا یک واقعه بازگشتی است. در این مطالعه از مدل‌های بازگشتی AG، PWP-TT و PWP-GT به منظور تشخیص عوامل مؤثر بر تعداد IEDها استفاده شد؛ زمان وقوع آن‌ها به عنوان پاسخ و متغیرهای سن و وضعیت جانباز بودن به عنوان پیش‌بین در نظر گرفته شد. جدول (۲) نتایج حاصل از برازش مدل‌های بازگشتی را نشان می‌دهد [۲۶]. با توجه به این که مدل AG شرطی نیست و در آن ضرایب به شرط وقایع قبلی برآورد نمی‌شوند، بنابراین باید تعداد وقایع قبلی در مدل وارد گردند. مدل PWP-TT یک مدل شرطی است که در آن اثر متغیرهای پیش‌بین بر واقعه فعلی به شرط وقایع قبلی محاسبه می‌شود. در این جدول ملاحظه می‌شود که در مدل AG سه عامل تعداد وقایع قبلی، سن و وضعیت جانبازی

جدول ۱: نتایج برازش مدل‌های بازگشتی در مطالعه عود سرطان مثانه

مدل‌های تصحیح واریانس			
PWP-GT HR(95%CI)	PWP-TT HR(95%CI)	WLW RR(95%CI)	AG HR(95%CI)
۰/۷۶ (۰/۵۱، ۱/۱۵)	۰/۷۲ (۰/۴۸، ۱/۰۵)	۰/۶۳ (۰/۳۸، ۱/۰۴)	۰/۶۳ (۰/۴۰، ۰/۹۹)
۱/۱۷	۱/۱۹	۱/۱۹	۱/۱۹
(۱/۰۶، ۱/۲۹)	(۱/۰۲، ۱/۲۴)	(۱/۰۵، ۱/۳۴)	(۱/۰۵، ۱/۳۵)
۱/۰۱	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶
(۰/۸۹، ۱/۱۴)	(۰/۸۸، ۱/۱۲)	(۰/۸۳، ۱/۱۱)	(۰/۸۳، ۱/۱۱)

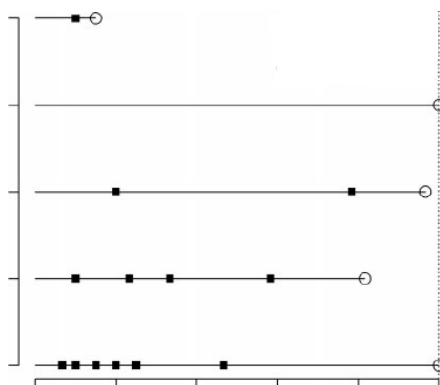
HR: نسبت خطر، RR: خطر نسبی، CI: فاصله اطمینان

جدول ۲: نتایج برازش مدل‌های بازگشتی در مطالعه رخداد IED در بیماران مبتلا به صرع

متغیر پیش‌بین	برآورد ضریب	SE ضریب	P-value	نسبت خطر (HR)
تعداد وقایع قبلی	۰/۱۷۶	۰/۰۵۹	۰/۰۰۲۹	۱/۱۹۲
سن	-۰/۰۲۵	۰/۰۱۱	۰/۰۲۲۸	۰/۹۷۵
وضعیت جانبازی	۰/۸۶۸	۰/۳۳۶	۰/۰۰۹۸	۲/۳۸۱
سن	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۴۲	۰/۰۳۱۴	۰/۹۷۰
وضعیت جانبازی	۰/۸۶۸	۰/۳۵۳	۰/۰۱۳۸	۲/۳۸۳
سن	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲۴	۰/۹۶۹
وضعیت جانبازی	۱/۰۹۸	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰۷	۲/۹۹۹

جدول ۳. مقایسه مدل های تصحیح واریانس برای وقایع بازگشتی

مدل	مجموعه خطر برای واقعۀ زام در زمان t	مقیاس زمانی	مخاطره پایه (۱) برای وقایع مختلف	خطاهای استاندارد نیرومند	طبقه بندی براساس واقعۀ	سایر ویژگی ها
AG	وقایع را مستقل در نظر می گیرد.	دوره زمانی از شروع مشاهده (زمان کل)	مشترک	دارد	ندارد	- مدل کاکس حالت خاصی از این مدل است. - استقلال افزایشی وقایع فرض اصلی این مدل است که اغلب برقرار نیست؛ بدین معنی که رخداد یک واقعه، رخداد واقعه بعدی را کم یا زیاد نمی کند. - فرض می شود که تمام همبستگی های موجود میان وقایع از طریق پیش بین ها تبیین می شود، بنابراین به شرط پیش بین ها، مشاهدات مربوط به یک فرد از یکدیگر مستقلند. - یک پارامتر کلی برای عوامل مورد نظر برآورد می کند. - داده ها در این مدل براساس تعداد وقایع طبقه بندی می شوند، بنابراین
WLW	شامل کلیه افرادی که واقعۀ زام را در زمان t تجربه نکرده اند نیز می باشد.	دوره زمانی از شروع مشاهده (زمان کل)	متفاوت	دارد	دارد	- برای متغوتی برای هر واقعه در نظر گرفته می شود. - برخلاف مدل AG، آنها متفاوتند اما اثر پیش بین ها در هر طبقه یکسان است. - در خصوص رابطه میان زمان های رخداد واقعه اطلاعی فراهم نمی آورد. - نرخ واقعه بعدی برای یک فرد به شرطی که قبلاً واقعه ای را در طی دوره مطالعه تجربه کرده باشد، محاسبه می شود.
PWP-TT	شامل کلیه افرادی است که واقعۀ ۱- زام را تجربه و واقعۀ زام را در زمان t تجربه نکرده اند.	دوره زمانی از شروع مشاهده (زمان کل)	متفاوت	دارد	دارد	- همانند مدل WLW، وقایع طبقه بندی می شوند اما امتیاز این مدل ساخت طبقات براساس ترتیب وقایع است، بنابراین - با توجه به در نظر گرفتن ترتیب وقایع از مدل WLW کاراتر است. - در این مدل می توان هر دو اثر کلی و ویژه- واقعه را برای هر پیش بین به دست آورد. - مجموعه خطر، تعداد افراد با افزایش تعداد وقایع (j) کاهش می یابند. - نرخ واقعه بعدی برای یک فرد به شرطی که قبلاً واقعه ای را در طی دوره مطالعه تجربه کرده باشد، محاسبه می شود.
PWP-GT	شامل کلیه افرادی است که واقعۀ ۱- زام را تجربه و واقعۀ زام را در زمان t تجربه نکرده اند.	دوره زمانی از واقعه قبلی مشاهده (فاصله زمانی)	متفاوت	دارد	دارد	- همانند مدل WLW، وقایع طبقه بندی می شوند اما امتیاز این مدل ساخت طبقات براساس ترتیب وقایع است، بنابراین - با توجه به در نظر گرفتن ترتیب وقایع از مدل WLW کاراتر است. - در این مدل می توان هر دو اثر کلی و ویژه- واقعه را برای هر پیش بین به دست آورد. - مجموعه خطر، تعداد افراد با افزایش تعداد وقایع (j) کاهش می یابند.



شکل ۱. مثالی از رخداد وقایع بازگشتی برای ۵ فرد



شکل ۲. مجموعه خطر، تابع خطر پایه (λ_0) و ضرایب رگرسیونی (β) در مدل AG



شکل ۳. مجموعه خطر، تابع خطر پایه (λ_{0j}) و ضرایب رگرسیونی (β_j) در مدل WLW



شکل ۴. مجموعه خطر، تابع خطر پایه (λ_{0j}) و ضرایب رگرسیونی (β_j) در مدل PWP

بحث و نتیجه گیری

مدل های وقایع بازگشتی به درک روند بیماری ها کمک می کنند، بنابراین به کار بردن چنین داده هایی برای مطالعه روند بیماری ها حائز اهمیت است که برای تحلیل معتبر آن ها باید از روش های پیشرفته و مناسب آماری استفاده کرد. بررسی اثر عوامل خطر بر روی تعداد وقایع بازگشتی در طول زمان تنها با در نظر گرفتن واقعه اول، نتایج ناکارایی به دنبال خواهد داشت (۱۱، ۲۷). متأسفانه بسیاری از پژوهشگران با وجود محدودیت های روش های کلاسیک آماری و ایجاد روش های معتبر برای تحلیل این نوع داده ها، همچنان از روش های نادرست مدلسازی مانند رگرسیون لجستیک استفاده می کنند [۲۸، ۱۹]. روش های مختلفی در تحلیل بقا برای وارد کردن همبستگی درون- فردی که از رخداد چندین واقعه برای یک فرد ایجاد می شود، پیشنهاد شده اند. انتخاب مدل مناسب از میان مدل های موجود به توزیع زمینه ای زمان های رخداد واقعه، همبستگی بین وقایع درون فردی، تعداد وقایع رخ داده و هدف مطالعه که بررسی اثر متغیرهای پیش بین به شرط سابقه فرد، متوسط اثر جامعه یا اندازه گیری وابستگی وقایع یک فرد است، بستگی دارد. همچنین فرآیند بیولوژیکی بیماری نیز پایه ای در انتخاب مدل برای زمان رخداد وقایع فراهم می کند. با توجه به عدم توافق در زمینه انتخاب مدل مناسب برای تحلیل وقایع بازگشتی بقا، در این مقاله انواع مدل های تصحیح واریانس بررسی شدند. مهمترین تفاوت میان مدل های بازگشتی، نحوه تعریف مجموعه

خطر و همچنین ثابت یا متغیر فرض کردن خطر پایه است. در مدل AG کلیه افراد در دوره مطالعه در معرض خطر مجدد رخداد واقعه قرار می گیرند. اگر فرض ثابت ماندن مخاطره رخداد مجدد واقعه بدون توجه به وقایع قبلی برقرار باشد، همچنین اگر بتوان خطر زمینه ای مشترکی را در فرآیندی مانند بیماری، در نظر گرفت و تنها برآورد نرخ کلی از عود مجدد مد نظر باشد، مدل AG پیشنهاد می شود [۱۵]. در این حالت توجه به منطقی بودن در نظر گرفتن خطرات پایه مشترک بسیار مهم است. این مدل فرض می کند که زمان های میان وقایع به شرط پیش بین ها غیرهمبسته هستند و حذف یک متغیر پیش بین مهم می تواند وابستگی را کاهش دهد. در این حالت خطاهای استاندارد کم برآورد می شوند که منجر به تورم خطای نوع اول می گردد. یک روش برای اصلاح این مدل برآزش آن با پیش بین های وابسته به زمان برحسب تعداد وقایع است. امتیاز مدل AG قابلیت آن در وارد نمودن پیش بین های وابسته به زمان و فواصل غیرپیوسته مخاطرات است [۲۹].

اگر این فرض که رخداد اولین واقعه احتمال رخداد مجدد واقعه را افزایش می دهد برقرار باشد یا هرگاه وابستگی به وقایع گذشته در افراد قوی باشد و زمانی که برآورد اثرات برای هر واقعه به صورت جداگانه مد نظر است، استفاده از مدل PWP با تابع خطر پایه غیرمشترک مناسب است. این مدل ها فرض می کنند که افرادی می توانند در معرض خطر واقعه فعلی قرار گیرند که واقعه قبلی را تجربه کرده باشند. از آن جا که در این مدل ها مجموعه خطر برای

به بیش برآورد اثر درمان می گردد. به دلیل این ویژگی، تفسیر ضرایب این مدل برای وقایع بازگشتی نیز مشکل است، زیرا ضریب یک متغیر پیش بین نشان دهنده اثر متوسط آن در سطح جامعه بر زمان رخداد وقایع است. این مدل بیشتر برای داده هایی مناسب است که یک فرد می تواند انواع مختلف واقعه را تجربه کند. همچنین چون در برازش این مدل از اطلاعات بخش اولیه مشاهدات استفاده می گردد لذا وزن بیشتری به وقایع اولیه می دهد. به عنوان مثال اگر مداخله ای در پیشگیری از واقعه اول مؤثر باشد ولی بر روی وقایع بعدی اثر نداشته باشد، مدل WLW نشان می دهد که این مداخله بر روی همه وقایع مؤثر است، زیرا اگر درمان، واقعه اول را به تأخیر بیندازد در نتیجه وقایع بعدی نیز خود به خود عقب می افتند و حتی اگر درمان مؤثر نباشد مدت رخداد واقعه آن بیشتر می شود [۶].

جدول (۳)، به صورت خلاصه ویژگی های هر یک از مدل های تصحیح واریانس را نشان می دهد. با توجه به مباحث مطرح شده، اهداف و سوالات پژوهش و تعریف مجموعه خطر نقش بسزایی در انتخاب مدل دارند، زیرا براساس آن ها نحوه وارد کردن وابستگی میان وقایع در مدل و در نتیجه تفسیرها متفاوت خواهند بود.

سهم نویسندگان

مهسا سعادتی: مجری طرح
آرزو باقری: همکار اصلی طرح

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح «روش های تحلیل سابقه رخداد وقایع در مطالعات جمعیتی» (ابلاغ شماره ۱۱/۲۴۳۳۲ مورخ ۹۵/۰۵/۳۰) است که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ انجام شده است.

منابع

1. Abrahantes JC, Burzykowska T, Legrandb C, Janssen P, Ducrocq V, Duchateau L. Comparison of Different Estimation Procedures for Proportional Hazards Model with Random Effects. *Computational Statistics & Data Analysis* 2007; 51: 3913 - 30
2. Manda S, Meyer R. Bayesian Inference for Recurrent Events Data Using Time-Dependent Frailty. *Statistics in Medicine* 2005; 24: 1263-74
3. Kelly PJ, Lim LLY. Survival Analysis for Recurrent Event Data: An Application to Childhood Infectious Diseases. *Statistics in Medicine* 2000; 19: 13-33

وقایع بعدی کوچک می شود، برآوردهای غیرپایدار (Unstable) تولید می کنند که از محدودیت های این مدل ها است و برای رفع آن، اغلب باید داده ها را برید (Truncate) [۶].

در مدل WLW کلیه افراد در طول دوره مطالعه، بدون توجه به رخداد وقایع قبلی، در معرض خطر رخداد مجدد وقایع قرار می گیرند اما تابع خطر پایه برای هر واقعه به صورت جداگانه در مدل وارد می شود. زمانی که هدف مطالعه مدلسازی تعداد مورد انتظار وقایع یا نرخ رخداد مجدد آن ها به شرط متغیرهای پیش بین باشد از مدل WLW استفاده می شود. افزودن پیش بین های وابسته به زمان به این مدل ها، منجر به تفسیرهای مختلفی با توجه به روش به کار رفته می شود. با این که اغلب مقادیر برآوردی برای دو مدل AG و WLW با یکدیگر مشابه هستند، این مدل ها نسبت های متفاوتی را مدلسازی می کنند؛ مدل های AG تابع شدت و مدل WLW نرخ رخداد وقایع را مدلسازی می نمایند.

تعداد وقایع در داده ها تأثیر بسیاری در انتخاب مدل مناسب دارد، اگر تعداد وقایع کم باشد می توان فرض کرد که خطر رخداد هر یک از وقایع با یکدیگر تفاوت دارد و در نتیجه مدل های PWP مناسب هستند، ولی وقتی تعداد رخداد وقایع در فرد زیاد باشد خطر، کمتر بین وقایع تغییر می کند و استفاده از مدل AG مناسب است. وقتی هدف مطالعه برآورد اثر کلی یک متغیر پیش بین یا اثر آن روی هر واقعه به صورت جداگانه باشد، مدل WLW مناسب نیست زیرا فرد در معرض خطر بیش از یک واقعه است و در این حالت مدل های PWP و AG مناسب هستند. در کل با توجه به ویژگی های مدل WLW از جمله مجموعه خطر آن، این مدل برای تحلیل اغلب داده های وقایع بازگشتی مناسب نیست؛ به عنوان مثال افراد در معرض خطر واقعه چهارم، حتی اگر تنها یک واقعه را تجربه کرده باشند، می توانند در مجموعه خطر قرار گیرند که این مسئله منجر

4. Pennell ML, Dunson DB. Bayesian Semi parametric Dynamic Frailty Models for Multiple Event Time Data. *Biometrics* 2006; 62: 1044-52
5. Yau KKW, McGilchrist CA. ML and REML Estimation in Survival Analysis with Time Dependent Correlated Frailty. *Statistics in Medicine* 1998; 17: 1201-13
6. Lim HJ, Liu J, Melzer-Lange M. Comparison of Methods for Analyzing Recurrent Events Data: Application to the Emergency Department Visits of

- Pediatric Firearm Victims. Accident Analysis and Prevention 2007; 39: 290–99
7. Amorim LD, Cai J. Modelling recurrent events: a tutorial for analysis in epidemiology. International Journal of Epidemiology 2015; 144:324–33
8. Amorim LD, Cai J, Zeng D, Barreto ML. Regression Splines in the Time-Dependent Coefficient Rates Model for Recurrent Event Data. Statistics in Medicine 2008; 27: 5890–906
9. Cox DR. Regression models and life-tables (with Discussion). Journal of Royal Statistics Social 1972; 34:182–220
10. Du P. Nonparametric Modeling of the Gap Time in Recurrent Event Data. Lifetime Data Analysis 2009; 15: 256–77
11. Pandeya N, Purdie DM, le Green A, Williams G. Repeated occurrence of basal cell carcinoma of the skin and multifailure survival analysis: follow-up data from the Nambour Skin Cancer Prevention Trial. American Journal of Epidemiology 2005; 161:748–54
12. Andersen PK, Gill RD. Cox's regression model for counting processes: a large sample study. Annals Statistics 1982; 10:1100–20
13. Prentice RL, Williams BJ, Peterson AV. On the regression analysis of multivariate failure time data. Biometrika 1981; 68: 373–79
14. Wei LJ, Lin DY, Weissfeld L. Regression analysis of multivariate incomplete failure time data by modeling marginal distributions. Journal of American Statistic Association Assoc 1989; 84:1065–73
15. Therneau TM, Grambsch PM. Modelling Survival Data: Extending The Cox Model. 2st Edition, Springer: New York, 2000
16. Pepe MS, Cai J. Some graphical displays and marginal regression analysis for recurrent failure times and time dependent covariates. Journal of American Statistic Association 1993; 88:811–20
17. Lin DY, Wei LJ, Yang I, Ying Z. Semiparametric regression for the mean and rate functions of recurrent events. Journal of Royal Statistics Social 2000; 62:711–30
18. Kennedy BS, Kasl SV, Vaccarino V. Repeated hospitalizations and self-rated health among the elderly: a multivariate failure time analysis. Journal of Epidemiology 2001; 153: 232–41
19. Gill DP, Zou GY, Jones GR, Speechley M. Comparison of regression models for the analysis of fall risk factors in older veterans. Annals Epidemiology 2009; 19:523–30
20. Moulton LH, Dibley MJ. Multivariate time-to-event models for studies of recurrent childhood diseases. International Journal of Epidemiology 1997; 26: 1334–39
21. Andersen P.K, Borgan Ø, Gill, R.D, Keiding N. Statistical Models Based on Counting Processes. 1st Edition, New York: Springer-Verlag, 1993
22. Lawless JF. The analysis of recurrent events for multiple subjects. Journal of Clinical Epidemiology 1995; 44:487–98
23. Cai J, Schaubel D. Analysis of recurrent event data. In: Balakrishnan N, Rao CR (eds). Handbook of Statistics: Advances in Survival Analysis. Vol. 23. Amsterdam: Elsevier, 2004
24. Strawderman RL. The Accelerated Gap Times Model. Biometrika 2005; 92: 647–66
25. Cui J, Forbes A, Kirby A, Marschner I, Simes J, West M, Tonkin A. Parametric Conditional Frailty Models for Recurrent Cardiovascular Events in the Lipid Study. Clinical Trials 2008; 5: 565–574
26. Hosseinzadeh S. Modeling gap times between recurrent events by time dependent frailty model with application to medical data, Ph.D Thesis; Tarbiat modares University, 2011
27. Dacourt V, Quantin C, Abrahamowicz M, Blinquet C, Alioum A, Faivre J. Modelling recurrence in colorectal cancer. Journal of Clinical Epidemiology 2004; 57:243–51
28. Purroy F, Caballero PEJ, Gorospe A et al. Recurrent transient ischaemic attack and early risk of stroke: data from the PROMAPA Study. Journal of Neurology, Neurosurgery, and Psychiatry 2013; 84: 596–603
29. Castañeda J, Gerritse B. Appraisal of several methods to model time to multiple events per subject: modelling time to hospitalizations and death. Revista Colombiana de Estadística 2010; 33:43–61

ABSTRACT

Variance-corrected recurrent models in medical studies

Arezoo Bagheri¹, Mahsa Saadati^{1*}

1. National Population & Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran

Payesh 2017; 5: 575- 585

Accepted for publication: 3 September 2017

[EPub a head of print-12 September 2017]

Objective (s): In many medical and epidemiological studies, each person can experience several events one after the other sequentially under some circumstances, known as recurrence events. Broad analytical objectives of recurrent events consist of describing event process in an individual, dispersion of events from one person to another, and determination of relations between constant or time-dependent predictors with event time. So the main purpose of this article is to present and interpret advanced statistical models to analyze such events which have been proposed in recent years.

Methods: In this article, variance-corrected models including AG, conditional PWP (PWP-TT and PWP-GT) and marginal WLW models for analyzing recurrent events are presented and compared with each other.

Results: When the number of events for each individual are small and the risk of a reoccurrence of an event varies between different events, usually conditional PWP models are used, while marginal WLW and the time-dependent AG models are applied to determine frequency of events.

Conclusion: Medical and epidemiology studies should consider various factors such as the number of events, relationship between events, the variability of the effect of factors from one event to another, the biological process, and the correlation structure of data to select the valid recurrent models.

Key Words: Recurrent events, AG model, Conditional PWP model, Marginal WLW model

* Corresponding author: National Population & Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran
Tel: 88534321
E-mail: mahsa.saadati@gmail.com